

شیعه کیست و چه مے گوید؟

کے حسن ترکاشوند*

مفهوم شناسی شیعه

شیعه در لغت

در فرهنگ لغت، واژه «شیعه» به پیروی فرد یا افرادی از دیگری، یاری دادن فردی و توافق و هماهنگی در قول یا فعل، معنا شده است.^۱ در معنای لغوی لفظ شیعه، سه مطلب به صورت مانعة الخلو منظور است:

اطاعت و پیروی، نصرت و یاری، توافق و هماهنگی.

در قرآن کریم، لغت شیعه و مشتقات آن (شیع و اشیاع)، به همین معنا آمده است.^۲

*. عضو هیئت علمی گروه کلام و معارف پژوهشکده حج و زیارت.

۱. ر.ک: القاموس المحيط، فیروز آبادی، ج ۳، ص ۴۷؛ لسان العرب، زبیدی، ج ۱، ص ۵۵؛ معجم المقاییس المحيط، ابن فارس، ص ۵۴۵؛ المصباح المنیر، ج ۱، ص ۳۹۸؛ اقرب الموارد، شرتونی، ج ۱، ص ۶۲۶؛ النهایه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۱۹.

۲. ر.ک: قصص: ۱۵؛ صافات: ۸۳؛ سبأ: ۵۴.

شیعه در اصطلاح

واژه شیعه در اصطلاح، کاربردهای مختلفی دارد:

۱. اعتقاد به برتری علی بن ابی طالب علیه السلام بر «عثمان بن عفان»، نه بر ابوبکر و عمر. عده بسیاری از صحابه و تابعین به این معنا، شیعه هستند، البته این معنای عام شیعه است.^۱
۲. اعتقاد به برتری امام علی علیه السلام بر تمام صحابه، از جمله ابوبکر و عمر، هرچند به خلافت بلافصل امام علی علیه السلام و وجود نصی در این باره معتقد نباشد. عده‌ای از معتزله بغداد و برخی از بصری‌ها از این گروه هستند.^۲ این هم از معانی عام شیعه است.
۳. اعتقاد به امامت بلافصل امام علی علیه السلام به این دلیل که او از دیگر صحابه برتر بود و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را به جانشینی خود برگزید و همچنین اعتقاد به اینکه امامت در فرزندان او، از نسل حضرت زهرا علیها السلام ادامه می‌یابد و کسی جز آنان، چنین حقی ندارد.^۳ این معنای خاص شیعه است و رواج آن موجب شده است که لغت‌شناسان پس از بیان معنای لغوی، به این معنی هم اشاره کنند.^۴

منشأ اصطلاح شیعه

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، این اصطلاح را برای برخی از مسلمین که امام علی علیه السلام را از دیگر صحابه برتر می‌دانستند؛ از ایشان پیروی می‌کردند و به ایشان محبت و ارادت نشان می‌دادند، به کار برده است. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در تفسیر آیه ﴿إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ

۱. ر.ک: میزان الاعتدال، شمس‌الدین ذهبی، ج ۱، ص ۶.

۲. ر.ک: شرح نهج‌البلاغه، ابن ابی الحدید، ج ۱، ص ۷.

۳. ر.ک: الفصل فی الملل و الاهواء و النحل، ابن حزم، ج ۲، ص ۱۱۳؛ الملل و النحل، شهرستانی، ج ۱، ص ۱۴۶؛ التعريفات، سید شریف جرجانی، ص ۹۳؛ مقدمه ابن خلدون، ابن خلدون، ص ۱۹۶؛ دائرة المعارف القرن العشرين، محمد فریدوجی، ج ۵، ص ۴۲۴.

۴. ر.ک: القاموس المحيط، فیروزآبادی، ج ۳، ص ۴۷؛ النهایه، ابن اثیر، ج ۲، ص ۵۱۹.

أُولَئِكَ هُم خَيْرُ الْبَرِيَّةِ ﴿بینه: ۷﴾ مصداق ﴿خَيْرُ الْبَرِيَّةِ﴾ را امام علی علیه السلام و شیعیان او معرفی می‌کنند و می‌فرمایند: «والذي نفسي بيده انّ هذا وشيعته هم الفائزون يوم القيامة».^۱

تاریخ و منشأ پیدایش شیعه

در این باره دیدگاه‌های مختلفی مطرح است:^۲

دیدگاه صحیح این است که عقیده و گرایش شیعی زمانی به وجود آمد که امامت علی بن ابی طالب علیه السلام توسط پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مطرح شد و ارادتمندان و معتقدین به لزوم اطاعت از او را شیعه نامید. پس از رحلت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در بین مسلمانان در خلافت و امامت اختلاف‌هایی به وجود آمد و گروهی که خود را متعبد به نصوص امامت می‌دانستند و از امامت حضرت علی علیه السلام حمایت کردند، شیعه شناخته شدند و به این ترتیب شیعه به عنوان مذهبی خاص در دنیای اسلام پدیدار شد.^۳

فرضیه عبدالله سبأ

برخی تاریخ پیدایش شیعه را اواخر دوره خلافت عثمان می‌دانند و به شخصی یهودی و متظاهر به اسلام، به نام «عبدالله بن سبأ» نسبت می‌دهند و می‌گویند این شخص با هدف خدشه‌دار ساختن اسلام، عقیده به خلافت و امامت بلافضل امام

۱. ر.ک: الدر المنثور، سیوطی، ج ۸، ص ۵۳۸؛ النهایه، ابن اثیر، ج ۴، ص ۱۰۶؛ نورالأنصار، شبلنجی، ص ۱۵۹؛ الصواعق المحرقة، ابن حجر، ص ۱۶۱؛ المناقب، ابن حجر، ص ۷۳ و ۱۱۱؛ بحوث فی الملل و النحل، جعفر سبحانی، ج ۶، صص ۱۰۲ - ۱۰۶.

۲. ر.ک: مقدمه ابن خلدون، ج ۳، ص ۳۶۴؛ ضحی الاسلام، احمد امین مصری، ج ۳، ص ۲۰۹؛ تاریخ اسلام، حسن حسن ابراهیم، ج ۱، ص ۳۷۱؛ اصل الشیعه و اصولها، کاشف الغطاء، ص ۱۱۱؛ تاریخ الشیعه، محمدحسین مظفر، ص ۸؛ بحوث فی الملل و النحل، جعفر سبحانی، ج ۶، ص ۱۰۶.

۳. أعیان الشیعه، سید محسن امین، ج ۱، ص ۲۳؛ نشأة التشیع و الشیعة، محمدباقر صدر، صص ۶۳ - ۷۹؛ الشیعة بین الأشاعرة و المعتزلة، معروف الحسینی، صص ۴۸ - ۵۳؛ درآمدی بر شیعه‌شناسی، علی ربانی گلپایگانی، صص ۴۳ - ۵۰.

علی علیه السلام، ناحق بودن خلافت خلفای پیشین و ضرورت عصمت امام را طرح کرد و به مسئله امامت، که امری عادی و سیاسی بود، لباس تقدس پوشاند.^۱

نقد

۱. این فرضیه را نخستین بار «طبری» در کتاب تاریخ خود، از «سیف بن عمر تمیمی» نقل می‌کند؛ در حالی که رجال‌شناسانی مانند: «حاکم نیشابوری»، «ابن معین»، «نسائی» و «سیوطی»، سیف بن عمر را به جعل و وضع حدیث متهم کرده‌اند.

۲. لازمه این فرضیه، پذیرش بی‌خبری دستگاه خلافت از واقعیت‌ها و رخدادها یا بی‌اعتنایی به سرنوشت اسلام و مسلمانان و یا بی‌کفایتی آن دستگاه در مقابله با توطئه‌هاست؛ در حالی که عثمان و کارگزاران او با مخالفان و حتی متفدان خود، از جمله: «ابوذر غفاری» و «عمار یاسر» به بدترین شکل، برخورد می‌کردند.

۳. لازمه دیگر این فرضیه آن است که عموم امت اسلام و صحابه بزرگ پیامبر مورد نقد جدی قرار می‌گیرند؛ زیرا از چنین توطئه‌ای غافل بوده‌اند و یا بازیچه دست یک یهودی شده‌اند و تحت تأثیر فتنه او، حوادثی مانند: «قتل عثمان» یا «جنگ جمل» را به وجود آورده‌اند.

۴. اگر این موضوع واقعیت داشته باشد باید شیعیان به این شخص احترام بگذارند، در حالی که بسیاری از شیعیان، حتی او را نمی‌شناسند و بزرگان شیعه نیز یا اصل وجود او را نپذیرفته‌اند، یا با نفرین از او یاد کرده‌اند.^۲

۱. السنة و الشيعة، رضا رشید، صص ۴ - ۶؛ نشأة فكر الفلسفي في الإسلام، علی سامی النشار، ص ۱۸؛ المذاهب الإسلامية، محمد ابو زهره، ص ۴۶.

۲. ر.ک: اصل الشيعة و اصولها؛ افسانه عبدالله سبأ، مرتضی عسکری، الشيعة و التشيع، محمدجواد مغنیه؛ علی و بنوه، طه حسین؛ نظرية الإمامة في علم الکلام، احمد محمود صبحی؛ بحوث في الملل و النحل؛ الشيعة بين الأشاعرة و المعتزلة، معروف الحسيني؛ درآمدی بر شیعه‌شناسی، صص ۶۵ و ۶۶.

ایرانیان و تشیع

برخی دیگر، شیعه را پدیده‌ای، ایرانی و ساخته ایرانی‌ها می‌پندارند و می‌گویند که عقیده وصایت و وراثت در امامت، که از عقاید اساسی شیعه است، برگرفته از فرهنگ ایرانی و نظام شاهنشاهی ایران است. همچنین علاقه خاص ایرانیان به امامان نیز ناشی از انگیزه‌های ملیت‌گرائی است؛ زیرا امام حسین علیه السلام با شهربانو - دختر یزدگرد پادشاه ایرانی - ازدواج کرده است و امامان از نسل او هستند و در نتیجه نسب ایرانی دارند. علاوه بر این، ایرانی‌ها به دلیل شکست از مسلمانان در فتح ایران، احساس حقارت کرده و در پی انتقام بوده‌اند، از این رو با طرح عقاید شیعه، به ویژه در مسئله امامت، با دیگر مسلمانان مخالفت کرده و موجب پیدایش شیعه شده‌اند.^۱

نقد

۱. اعتقاد به وصایت در امامت، در احادیث نبوی مانند حدیث «یوم الدار» آمده است.
۲. با این فرضیه، لازم است که شهربانو - مادر امام سجاد علیه السلام - نزد ایرانیان احترام خاصی داشته باشد، درحالی‌که چنین نیست. علاوه بر این، این فرضیه درباره امام علی علیه السلام و امام حسن علیه السلام صادق نیست.
۳. شواهد تاریخی نشان می‌دهد که ایرانیان با رضایت، اسلام را پذیرفته‌اند؛ زیرا از تبعیض و ستم ساسانیان به ستوه آمده بودند و آموزه‌های عدالت‌محور اسلام آنان را جذب می‌کرد، در غیر این صورت ایران به آسانی فتح نمی‌شد. علاوه بر این، پس از فتح نیز، ایرانی‌ها در پذیرش اسلام و یا ماندن بر دین خود، مختار بوده‌اند.

۱. افرادی مانند: احمدامین (فجرالاسلام)؛ صناعی، پرویز (قانون و شخصیت) چنین مسئله‌ای را مطرح کرده‌اند؛ رک: خدمات متقابل اسلام و ایران، مرتضی مطهری، ج ۱، صص ۱۲۸ - ۱۳۱.

۴. عقیده شیعه به امامت و دیگر مسائل اعتقادی، برگرفته از قرآن، سنت پیامبر و اهل بیت علیهم‌السلام و دلایل روشن عقلی است.^۱

فرقه‌های شیعه

معیار انشعاب هر مذهب، اصول اساسی آن است. از آنجا که اساسی‌ترین اصل شیعه - که آن را از دیگر مذاهب ممتاز می‌کند - اعتقاد به امامت است، همین مسئله، معیار و ملاک انشعاب در درون این مذهب است؛ بر این اساس، بسیاری از فرقه‌هایی که در کتاب‌های ملل و نحل به شیعه نسبت می‌دهند، در حقیقت، یک فرقه جدا نیستند، زیرا اختلاف آنها در جزئیات است. حتی بسیاری از فرقه‌هایی که به دلیل اختلاف در مسئله امامت پدید آمده بودند، تنها مدت کوتاهی دوام آوردند، سپس منقرض شدند و اکنون آنها را فرقه‌های تاریخی می‌دانند. بر این اساس، مهم‌ترین فرقه‌های شیعه: اثنی‌عشریه، زیدیه و اسماعیلیه هستند. گفتنی است که فرقه «غلاة» به هیچ وجه شیعه نیستند؛ چون ائمه علیهم‌السلام و همه عالمان بزرگ شیعه، غلاة را فرقه‌ای خارج از اسلام می‌دانند و ضمن تکفیر، از آنها تبری می‌جویند.^۲

منابع شیعه در اصول و فروع

شیعه امامیه، اصول و فروع دین را از چهار منبع دریافت می‌کند:

قرآن کریم، سنت نبوی، احادیث ائمه علیهم‌السلام و عقل.

۱. ر.ک: تاریخ ادبیات ایران، ادوارد براون، ج ۱، ص ۲۹۷؛ خدمات متقابل اسلام و ایران، ج ۱، صص ۱۲۸ - ۱۵۴؛

الشیعة والتشیع، صص ۱۰۱ - ۱۱۱.

۲. ر.ک: تصحیح الإعتقاد، شیخ مفید، ص ۱۰۹؛ الفرق بین الفرق، بغدادی، ص ۲۱؛ شیعه در اسلام، محمدحسین

طباطبایی، ص ۶۱؛ درآمدی بر شیعه‌شناسی، صص ۳۴ - ۳۷.

۱. قرآن

نخستین و مهم‌ترین منبع عقاید، معارف و احکام دین است که هر آنچه بندگان در مسیر هدایت، به آن نیازمندند، در آن یافت می‌شود و مطابقت با آن، ملاک پذیرش احادیث است.

به باور شیعه، قرآن از تحریف مصون است. قرآنی که بر پیامبر ﷺ نازل شد، همان است که در بین مسلمانان است و روایاتی که از کاهش قرآن می‌گویند یا جعلی هستند و یا معتبر نیستند و یا درباره تحریف معنوی قرآن هستند، نه تحریف لفظی.^۱

مصحف امام علی علیه السلام در سوره‌ها و آیه‌ها، با قرآن موجود، تفاوتی ندارد و تنها در ترتیب سوره‌ها متفاوت است. مصحف فاطمه علیها السلام نیز، تنها حاوی برخی از حوادث و اخبار آینده است که جبرئیل به او خبر می‌داده است.^۲

اکثریت قاطع علمای شیعه، ظواهر قرآن را حجت می‌دانند و آن را مبنای نظام عقیدتی، اخلاقی و رفتاری انسان قرار می‌دهند. آیه‌های «تحدی» و «حدیث ثقلین»، بر حجیت ظواهر قرآن دلالت می‌کنند.^۳

۲. سنت پیامبر اکرم ﷺ

مراد از سنت پیامبر اکرم ﷺ قول، فعل و تقریر حضرت است، که دومین منبع مذهب تشیع در عقاید، اخلاق و احکام الهی است. حجیت سنت با دلیل عقلی و

۱. ر.ک: الاعتقادات فی دین الامامیه، شیخ صدوق، ص ۵۹؛ اوائل المقالات، شیخ مفید، ص ۵۳؛ تبیان، سید مرتضی،

ج ۱، ص ۳؛ تهذیب الاصول، امام خمینی، ج ۲، ص ۱۶۵.

۲. کافی، کلینی، ج ۱، ص ۲۴۱؛ سیمای عقاید شیعه، جعفر سبحانی، صص ۱۷۴ - ۱۷۶.

۳. ر.ک: البیان، ابوالقاسم خویی، صص ۲۶۷ - ۲۷۳؛ شیعه در اسلام، ص ۴۲؛ کتاب‌های اصول فقه: مبحث حجیت ظواهر.

آیات قرآن^۱ ثابت می‌شود و مطمئن‌ترین روش برای دستیابی به سنت پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، طریق ائمه علیهم السلام است.^۲

۳. گفتار و رفتار اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله

اهل بیت پیامبر صلی الله علیه و آله کسانی‌اند که در آیه «تطهیر» و احادیث نبوی معرفی شده‌اند و از گناه و خطا، معصوم هستند. آنان علی، فاطمه، حسن، حسین علیهم السلام و نه امام دیگر شیعه هستند.^۳ حدیث ثقلین،^۴ مضاف بر بیان عصمت اهل بیت، به ضرورت پیروی از آنان و مرجعیت علمی آنها در معارف و احکام دینی اشاره می‌کند.^۵ حدیث سفینه^۶ نیز، درخواست هدایت از اهل بیت و الگو قرار دادن فعل و قول آنان را موجب نجات می‌داند.^۷ حدیث «امان اهل الأرض»^۸ نیز، به روشنی، مرجعیت علمی و دینی اهل بیت را بیان می‌کند.

۴. عقل و خرد

روشن‌ترین دلیل بر حجیت عقل، این است که اثبات وجود خدا و ضرورت دین، وابسته به تفکر و استدلال عقلی است. آیات بسیاری در قرآن نیز، تفکر عقلی را به رسمیت می‌شناسند و به آن سفارش می‌کنند.^۹

۱. نحل: ۴۴؛ احزاب: ۲۱؛ حشر: ۷؛ آل عمران: ۳۱ و ۳۲؛ نجم: ۲ - ۴.

۲. اصل الشیعة و اصولها، ص ۱۶۴.

۳. رک: صحیح مسلم، مسلم، ج ۲۴، ص ۱۸۸۳؛ فضائل الصحابة، باب نهم؛ مجمع البیان، طبرسی، ج ۴، ص ۳۷۵؛ میزان، محمدحسین طباطبایی، ج ۱۶، ص ۳۰۹ - ۳۱۳.

۴. رک: المراجعات، علامه شرف الدین، شماره ۸.

۵. رک: شرح المقاصد، تفتازانی، ج ۵، ص ۳۰۳.

۶. المستدرک علی الصحیحین، حاکم نیشابوری، ج ۳، ص ۱۵۱؛ غایة المرام، سید هاشم بحرانی، ج ۱۳، ص ۱۳ - ۲۴.

۷. رک: المراجعات، علامه شرف الدین، شماره ۸.

۸. المستدرک علی الصحیحین، ج ۳، ص ۱۴۹.

۹. انبیاء: ۲۲؛ یونس: ۳۵؛ بقره: ۱۱؛ بقره: ۱۷۰؛ مؤمنون: ۱۱۵؛ انفال: ۲۲؛ نحل: ۱۲۵.

عقاید و باورهای شیعه امامیه

توحید

به باور شیعه خدا یکی است و همتا و جایگزین ندارد ﴿وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ﴾ (توحید: ۴) و ذات خدا بسیط است و در آن کثرت و ترکیب نیست ﴿قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ﴾ (توحید: ۱).
به باور شیعه، صفات خدا در مفهوم، غیر از ذات خداست، ولی در مصداق، عین ذات اوست.

به اعتقاد شیعه، خدا در افعال خود یکتاست و شریک و یآوری ندارد. هیچ موجودی غیر از خدا، در فعل خود مستقل نیست و هیچ فعلی در عالم نیست، مگر آنکه به اراده الهی باشد.

از نظر شیعه، تنها آفریدگار حقیقی، خداست و همه هستی مخلوق اوست و دیگر موجودات در خلق، هیچ‌گونه استقلالی ندارند و تابع اراده و مشیت خداوند هستند.
به باور شیعه تنها خدا، مالک حقیقی هستی است. تدبیر امور موجودات عالم بر عهده اوست و می‌تواند به صورت مستقل و بدون همکاری یا اجازه مخلوقات، در امور هستی تصرف کند و آن را سامان دهد. اگر یکی از مخلوقات در فضایی محدود، به تدبیر و تنظیم امور موجودی دیگر می‌پردازد، این عمل او غیر مستقل است و به اراده و مشیت الهی وابسته است.

به باور شیعه یگانه قانون‌گذار (مشرع) شایسته، خداوند است و کسی غیر از او اجازه ندارد - که به صورت مستقل و در عرض تشریح الهی - برای تنظیم روابط بشری قانونی وضع کند. و تنها حاکم مستقل و حقیقی اوست و حاکمیت دیگران، تنها در سایه اذن الهی، معتبر است.

شیعه معتقد است که خداوند، تنها معبود حقیقی و تنها موجودی است که شایسته پرستش است.

شیعیان باور دارند که مقام الوهیت خاص خداوند است. بنابراین تنها او شایسته عبادت و بندگی است. اما صرف خضوع و اظهار تذلل در برابر غیر خدا، بدون اعتقاد به الوهیت او، عبادت نیست.^۱

شیعیان معتقدند که انسان در کارهای خود، باید تنها از خداوند یکتا یاری جوید. شیعه، طلب کمک از غیر خدا را مخالف با توحید در استعانت نمی‌داند، البته اگر با این اعتقاد باشد که آن موجود به اراده خداوند در زمینه خاصی می‌تواند یاری رساند؛ بنابراین، مددجویی از غیر خدا را، خواه در عالم طبیعت (مانند استفاده از دارو) و خواه در ماورای طبیعت (مانند مددجویی از ارواح پیامبران و اولیای الهی)، اگر در طول استمداد خداوند باشد - نه در عرض آن و به صورت مستقل - جایز می‌داند.

دیدگاه شیعیان این است که انسان تنها باید فرمان‌بردار فرامین الهی باشد و اطاعت غیر خدا را در عرض اطاعت او قرار ندهد. اما اطاعت از کسی که خدا فرمان‌برداری از او را واجب کرده است و اطاعت او با اجازه خداوند و در طول اطاعت اوست، با توحید در اطاعت منافاتی ندارد.^۲

شیعه معتقد به تنزیه و ابطال تجسیم و تشبیه «لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» (شوری: ۷) است و این اصل را در همه صفات الهی جاری می‌داند؛ بر این اساس، معتقد به سلب جسمیت از خدا، عدم امکان رؤیت الهی با چشم «لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ» (انعام: ۱۰۳) نفی حلول الهی در غیر و نفی اتحاد او با غیر است.

شیعه معتقد به حدوث کلام الهی است؛ چه کلام به معنای ترکیب حروف و اصوات یا موجودات خارجی باشد و چه به معنای تکلم؛ زیرا تکلم نیز یکی از صفات فعل الهی است که از ترکیب حروف و اصوات انتزاع شده است.

۱. ر.ک: اسراء: ۲۴؛ بقره: ۴۴؛ یوسف: ۱۰۰.

۲. ر.ک: نساء: ۵۹ و ۸۰.

شیعه معتقد است که خداوند حکیم است؛ یعنی افعال او در غایت اتقان و کمال است، ﴿كِتَابٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ﴾ (هود: ۱) و افعال خود را براساس غایت‌ها و اغراض معقول و خردپسند (یعنی مصالح و منافع) که به مخلوقات او باز می‌گردد) انجام می‌دهد ﴿وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لَاعِبِينَ﴾ (دخان: ۳۸) و از انجام افعال زشت و ناشایست به دور است.

شیعیان بر این باورند که خدا عادل است؛ یعنی هر موجودی را به اندازه شایستگی‌ها و ظرفیت‌هایش از موهبت‌ها و نعمت‌ها بهره‌مند می‌کند ﴿وَمَا اللَّهُ بِرِيدٌ ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ﴾ (آل عمران: ۱۰۸) و در وضع تکالیف و جعل قوانینی که سعادت و کمال انسان در گرو آن است، کوتاهی نکرده و هیچ‌کس را بیش از توانش مکلف نمی‌سازد ﴿لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا﴾ (مؤمنون: ۶۲) و به هر انسانی متناسب با اعمالش جزا می‌دهد ﴿وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَامَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا﴾ (انبیاء: ۴۷).

به باور شیعه انسان نه مجبور است و نه اینکه امور به کلی به او تفویض شده، بلکه معتقد به «امر بین الامرین» است؛ یعنی افعال اختیاری انسان، همان‌طور که به صورت حقیقی (نه مجاز) به خود انسان (فاعل مباشر) منسوب است، به نحو حقیقی، به خداوند نیز منتسب است؛ زیرا براساس قدرت و اراده انسان انجام می‌پذیرد و از سوی دیگر، همه هستی انسان و آثار وجودی‌اش، از جمله افعالش، معلول خداوند و وابسته به اوست ﴿وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ﴾ (تکویر: ۲۹). البته فهم این نظریه چندان آسان نیست.

شیعه معتقد به «بداء» است، با این توضیح که خداوند متعال درباره انسان دو گونه تقدیر دارد:

۱. تقدیر قطعی که هرگز تغییر نمی‌یابد؛
۲. تقدیر معلق و مشروط که در نبود برخی شرایط، عوض می‌شود و تقدیر دیگری جایگزین آن می‌شود.

حقیقت بدها بر دو اصل استوار است:

الف) اینکه خدا قدرت مطلق است و می‌تواند هر تقدیری را عوض کند و هر زمان که بخواهد، تقدیر دیگری جایگزین آن سازد. این در حالی است که از پیش هر دو تقدیر را می‌داند و علم او هرگز تغییر نمی‌کند؛ چون تقدیر اول به گونه‌ای نیست که از او سلب قدرت کند.

ب) اعمال قدرت و سلطه خداوند و تغییر سرنوشت و مقدرات، از روی حکمت و مصلحت است. بخشی از این تغییر مربوط به عمل و نحوه زندگی خوب یا بد شخص است. با این امور، زمینه تغییر در سرنوشت پدید می‌آید. «يَمْحُو اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ» (رعد: ۳۹). بنابراین، بدها در حقیقت، آشکار کردن است، یعنی خداوند، آنچه را که می‌داند و انسان از آن مطلع نیست، آشکار می‌سازد بدها نامیده شدن آن به این اعتبار است که در مقام فعلی الهی نمایان می‌گردد؛ اگرچه جهل و تغییر از ذات الهی به دور است.

شیعه، معتقد به ضرورت لطف است. لطف از صفات فعل خداوند و لازمه حکمت اوست. مراد از لطف، افعالی است که خداوند در حق مکلفان انجام می‌دهد تا اسباب هدایت برای آنان به صورت کامل محقق شود؛ مانند: فرستادن رسولان، انزال کتاب‌های آسمانی، وعده و وعیدها، بشارت‌ها و انذارها، تعیین امام معصوم علیه السلام و... البته وجوب به معنای تعیین تکلیف برای خدا نیست، بلکه هدایت لازمه رحمت و حکمت اوست و عقل انسان، این اصل را می‌فهمد.

نبوت

شیعه، به نبوت پیامبر اکرم، حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه و آله و سلم اعتقاد دارد و بر این باور است که او خاتم پیامبران است و پس از او بر کسی وحی نبوی نمی‌شود. قرآن معجزه جاودان و تغییرناپذیر اوست و اسلام، دینی، جهانی و جاودان است.

شیعه معتقد به عصمت مطلق همه پیامبران الهی است و آن را لطفی از جانب خدا می‌داند که به سبب آن، معصوم، انگیزه‌ای برای ترک طاعت یا انجام گناه ندارد، هر چند قدرت بر آن دارد. بر این اساس، پیامبران در دریافت شریعت، حفظ، ابلاغ و تبیین آن برای بشر، از هر خطای عمد و سهوی معصومند و همچنین پیش و پس از پیامبری، از هر گناه، کبیره یا صغیره، عمدی یا سهوی و حتی خطا در امور فردی، معصوم هستند.^۱

امامت

از نظر شیعه، امامت، منصب الهی جانشینی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در رهبری دینی و دنیوی امت اسلامی است. امام، انسانی معصوم است و علم خدادادی دارد. او از سوی خدا و پیامبرش به این مقام برگزیده و به مردم معرفی می‌شود تا پس از پیامبر صلی الله علیه و آله، وظایف او را، جز دریافت و ابلاغ وحی، بر عهده گیرد. پس از وفات پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله، در حیات امت اسلامی، خلأ بزرگی پیدا شد. چرا که مسئولیت‌های حضرت محمد صلی الله علیه و آله، تنها دریافت وحی الهی و رساندن آن به مردم نبود، بلکه وظایف مهم دیگری مانند: تفسیر و شرح قرآن و اهدافش، کشف اسرار این کتاب خدا، بیان احکام و مسائلی که در زمان حیات و دعوتشان پیش می‌آمد، پاسخ به سؤال‌های دشوار و شبهه‌آفرین دشمنان اسلام از یهود و نصاری، حفاظت از دین در برابر تحریف و مراقبت از آنچه مسلمانان از اصول و فروع دین از ایشان می‌آموختند، هم برعهده داشتند، تا مسلمانان در این موضوعات منحرف نشوند. امامت نزد شیعه، حق کسی است که این خلأ بزرگ را که با وفات پیامبر صلی الله علیه و آله پیش می‌آید، پر کند؛ همچنین با امنیت کشور و مرزها، اجرای حدود و نشر دین خدا را تأمین کند.

۱. ر.ک: تنزیه الأنبياء، سید مرتضی، ص ۲؛ انوارالملکوت فی شرح الیاقوت، علامه حلی، ص ۱۹۶؛ حق الیقین، علامه شبّر، ج ۱، صص ۹۳ - ۹۷.

شیعه معتقد به ضرورت عصمت امام است و با دلایل عقلی (ضرورت حفظ شریعت) و دلایل نقلی، مانند:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي الْأَمْرِ مِنْكُمْ﴾ (نساء: ۵۹)؛ ﴿وَإِذِ ابْتَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ﴾ (بقره: ۱۲۴)؛ ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ﴾ (توبه: ۱۱۹)؛

ادعای خود را اثبات می‌کند.

شیعه معتقد است که امام باید علم تام و بالفعل به شریعت داشته باشد تا بتواند به حفظ، تفسیر و بیان صحیح آن پردازد؛ بنابراین معتقد به علم خدادادی امام است که از منابعی، مانند: قرآن، وراثت از پیامبر و الهام‌های غیبی سرچشمه می‌گیرد.

شیعه به ضرورت افضلیت امام در ابعاد معنوی و فضائل اخلاقی معتقد است و همچنین افضلیت در همه صفات کمالی که در محقق شدن آرمان امامت نقش به‌سزایی دارند؛ مانند: علم، سیاست و مدیریت، شجاعت و... چون برتری مفضول بر افضل، ناپسند است.

شیعه معتقد است که تعیین امام، تنها از راه نص ممکن است؛ زیرا صفات لازمی، مانند «عصمت» و «علم تام به شریعت»، برای کسی جز خداوند، معلوم نیست، از این رو خداوند امام را تعیین می‌فرماید و پیامبر، او را به مردم معرفی می‌کند.

از منظر شیعیان، خداوند متعال و پیامبر اکرم ﷺ، امام علی ؑ را خلیفه بلافصل و امام‌المسلمین تعیین و معرفی کرده‌اند. آیات و روایات فراوانی، بیانگر این موضوع هستند؛ از جمله: آیه ولایت، آیه تبلیغ، حدیث وزارت، حدیث منزلت، حدیث الدار، حدیث غدیر و غیره.^۱

۱. ر.ک: الغدير، علامه امینی، المراجعات، علامه شرف الدین.

شیعیان به امامت دوازده نفر از اهل بیت پیامبر معتقدند که ایشان در روایت «اثنی عشر خلیفه» و روایت های دیگر معرفی شده‌اند.^۱

شیعیان بر این باورند که پیامبر اکرم ﷺ امام علی علیه السلام، حضرت زهرا علیها السلام، امام حسن علیه السلام و امام حسین علیه السلام را اهل بیت نامیدند^۲ و آیه تطهیر، حدیث ثقلین و حدیث سفینه، عصمت آنان را بیان می‌کنند؛ همچنین دو حدیث فوق، بیانگر مرجعیت علمی اهل بیت علیهم السلام هستند.

شیعیان معتقدند که حضرت فاطمه زهرا علیها السلام - دختر پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله - که سوره کوثر در شأن او نازل شده، کوثر فیض بخشی است و پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله او را پاره تن خود معرفی کرده و فرموده است که آزار او موجب آزار من^۳ و در نتیجه عذاب دردناک است.^۴ و آیه «فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا اسْمُهُ يُسَبِّحُ لَهُ فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ»؛ (نور: ۳۶) درباره ارزش و اهمیت خانه فاطمه علیها السلام نازل شده است.^۵

به باور شیعیان، مصلح آخرالزمان، براساس صدها روایت، از اهل بیت پیامبر و از فرزندان حضرت زهرا علیها السلام است^۶ و ایشان امام دوازدهم شیعیان، یعنی امام مهدی علیه السلام - فرزند امام حسن عسکری علیه السلام - هستند که در نیمه شعبان سال ۲۵۵ هـ. ق در سامرا متولد شده‌اند.^۷

۱. ر.ک: الغدير، علامه امینی، المراجعات، علامه شرف الدین؛ صحیح مسلم، ج ۶، شواهد التنزیل، حاکم حسکانی، ج ۱، صص ۱۵۱ - ۱۵۸؛ ینابیع المودة، سلیمان قندوزی، ص ۴۴۵.

۲. ر.ک: تفسیر طبری، طبری، ج ۲۲، صص ۵ - ۷؛ الدر المنثور، سیوطی، ج ۵، صص ۱۹۸ و ۱۹۹.

۳. ر.ک: صحیح بخاری، بخاری، ج ۶، ص ۴۹۱، مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۵۴.

۴. توبه: ۶۱.

۵. ر.ک: الدر المنثور، ج ۶، ص ۳۰۶؛ روح المعانی، آلوسی، ج ۱۸، ص ۱۷۴.

۶. ر.ک: المهدی، صدرالدین صدر، صص ۴۶ - ۶۸.

۷. ر.ک: الصواعق المحرقة، ابن حجر هیتمی، ص ۲۰۸؛ وفيات الأعیان، ابن خلکان، ج ۴، ص ۱۷۶؛ الفصول المهمة، ابن صباغ مالکی، ص ۲۹۱؛ منتخب الأثر، لطف الله صافی گلپایگانی، صص ۳۶۹ - ۳۹۳.

از دیدگاه شیعه، امام مهدی علیه السلام، بر اساس حکمت و قدرت الهی، زنده است؛ چون عمر طولانی، ذاتاً محال و ممتنع نیست، بلکه در نهایت، محال وقوعی است، اما باید توجه داشت که قدرت الهی بر اموری که محال وقوعی است، تعلق می‌گیرد^۱ و معجزات پیامبران از این گونه است. مضاف بر شواهد تاریخی و ملاقات بسیاری از علما و مؤمنان با ایشان، روایاتی مانند حدیث ثقلین و حدیث اثنی عشر خلیفه بر وجود ایشان دلالت می‌کنند.^۲

شیعیان باور دارند که امام مهدی علیه السلام بر پایه حکمت الهی، در پس پرده غیبت است و عواملی چون: رهایی از شهادت زود هنگام، بیعت نکردن با حکومت‌های ستمگر، امتحان مؤمنان و مهیا نبودن جهان و انسان‌ها برای برقراری و پذیرش حکومت عدل جهانی، سبب به درازا کشیدن غیبت ایشان شده است.

شیعیان می‌گویند که غیبت امام مهدی علیه السلام، سبب محرومیت مردم از برکات وجود او نیست، چون غیبت آن حضرت علیه السلام با عدم تصرف ایشان در امور شیعیان ملازم نیست و لازم نیست که همه افراد با او در ارتباط باشند، بلکه همچون زمان پیامبر و امامان، ارتباط با واسطه برای بهره‌مندی از هدایت‌های ایشان مقدور است.

باور شیعه این است که زمان ظهور حضرت علیه السلام به‌طور دقیق، برای کسی آشکار نیست، اما در برخی روایات، نشانه‌هایی مانند: خروج سفیانی و دجال، قتل نفس زکیه، شنیده شدن ندای آسمانی و... برای آن آمده است.^۳

شیعه، معتقد به رجعت است؛ یعنی اعتقاد دارد که پس از ظهور امام زمان علیه السلام، عده‌ای از اولیای الهی و عده‌ای از دشمنان خاندان وحی به این دنیا باز می‌گردند تا

۱. ر.ک: صافات: ۱۴۳ و ۱۴۴؛ عنکبوت: ۱۴.

۲. ر.ک: الفصول العشرة فی الغیبة، شیخ مفید؛ کمال الدین، شیخ صدوق.

۳. ر.ک: الغیبة، نعمانی، باب ۱۸؛ کمال الدین، شیخ صدوق، باب ۵۷.

پرتوی از نتیجه ایمان و عمل صالح خود و بخشی از جزای ظلم خود بر خاندان رسالت را دریافت کنند. رجعت، امری ممکن است که هیچ منع عقلی ندارد و قرآن پیش‌تر، از رخ دادن آن خبر داده است^۱ و آیات^۲ و روایاتی^۳ نیز، وقوع آن در آینده را بیان می‌کنند.^۴

از منظر شیعیان، کسانی که درباره ائمه اطهار علیهم‌السلام غلو می‌کنند، کافرند و شیعه برای ائمه علیهم‌السلام مقام الوهیت، ربوبیت و یا نبوت قائل نیست، البته باید توجه داشت که نسبت دادن اموری مانند: عصمت، داشتن کرامت و معجزه، علم به غیب به اذن خدا، به ائمه علیهم‌السلام غلو نیست؛ چون این صفات از شئون و مختصات نبوت نیستند و در قرآن^۵ و روایات^۶ به غیر پیامبران نیز نسبت داده شده‌اند. اهل بیت علیهم‌السلام و علمای شیعه به شدت با غلوکنندگان، مقابله و از آنها تبری جستند.^۷

معاد

به باور شیعیان، قیامت، تجلی‌گاه رحمت، حکمت و عدل الهی است^۸ و معاد به معنای تعلق دوباره روح به بدن، هنگام برپایی قیامت است.

۱. بقره: ۴۷ و ۷۳ و ۲۵۹؛ مائده: ۱۱۰.

۲. نمل: ۸۳؛ غافر: ۱۱.

۳. رک: صحیح البخاری، ج ۹، ص ۱۱۲؛ کتاب الإعتصام بقول النبی صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، کمال الدین، شیخ صدوق، ص ۵۷۶.

۴. رک: الايقاظ من الهجعة بالبرهان علی الرجعة، شیخ حر العاملی؛ حق الیقین، علامه شبر.

۵. رک: آل عمران: ۴۲ و ۳۷؛ نمل: ۴۰.

۶. رک: صحیح البخاری، ج ۲، ص ۲۹۵؛ تلخیص المحصل، فخر رازی، ص ۳۷۳؛ اصول کافی، ج ۱، ص ۲۶۸؛ بحار الأنوار، مجلسی، ج ۲۶، ص ۸۳.

۷. رک: بحار الأنوار، ج ۲۵، صص ۲۶۵ — ۲۸۵؛ الاعتقادات، ص ۷۱؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۱۰۹؛ انوار الملکوت، ص ۲۰۲.

۸. انعام: ۱۳؛ مؤمنون: ۱۱۵؛ دخان: ۴۰؛ ص: ۲۸؛ قلم: ۳۵.

شیعیان، فاصله مرگ تا قیامت را «برزخ» می‌گویند که از لحظه مرگ، حیات برزخی انسان فرا می‌رسد.^۱ نخستین رویداد عالم برزخ، پرسش‌های فرشتگان درباره توحید، نبوت و باورهای دینی انسان است.^۲ انسان‌ها متناسب با اعمالشان در بهشت برزخی یا جهنم برزخی جای می‌گیرند.^۳

برخی دیگر از باورهای شیعه

شیعه معتقد است که عبادت، تنها خضوع و کرنش نیست؛ چون در این صورت هر نوع کرنشی در برابر غیر خدا ممنوع است، در حالی که خداوند از خضوع فرشتگان برای آدم^۴ و کرنش یعقوب و فرزندان او در برابر یوسف،^۵ خبر می‌دهد و کرنش فرشتگان به آدم را می‌ستاید و سرپیچی ابلیس را از دستور سجده بر آدم، نکوهش می‌کند.^۶ بنابراین خضوع بیانی یا عملی، در صورتی که با اعتقاد به خدایی آنکه در برابرش کرنش می‌شود و همچنین باور به اینکه سرنوشت کلی یا جزئی کرنش کننده، در حال و آینده، به دست اوست، عبادت خواهد بود.

به اعتقاد شیعه، شفاعت، یعنی این‌که آمرزش و فیض الهی در قیامت از راه اولیای خدا و بندگان برگزیده او به انسان برسد و شفاعت مطلق، یعنی شفاعت بدون اذن خدا،^۷ یا شفاعت بت‌ها،^۸ باطل است و شفاعت کسانی مقبول است که

۱. مؤمنون: ۱۰۰.

۲. الاعتقادات، شیخ صدوق، باب ۱۷، ص ۳۸؛ تصحیح الاعتقاد، ص ۳۵ - ۴۶.

۳. الخصال (خصلت‌های سه‌گانه)، شیخ صدوق.

۴. حجر: ۳۰.

۵. یوسف: ۱۰۰.

۶. حجر: ۳۲ - ۳۴.

۷. بقره: ۲۵۵.

۸. زمر: ۴۴.

خدا به آنان اجازه داده است؛^۱ بنابراین، درخواست شفاعت از شفیع، به معنای درخواست دعا از او برای آمرزش اشکالی ندارد^۲ و میان حیات مادی و برزخی شفیع تفاوتی نیست و این امر در میان مسلمانان سلف رایج بوده است.^۳

به باور شیعه، نذر آن است که انسان خود را ملزم و متعهد کند که اگر حاجتش برآورده شد، کار خاصی را انجام دهد و یا ثواب آن کار را به یکی از نزدیکانش، مثل پدر و مادر یا اولیاء و انبیاء اهدا کند. این نوع نذر در میان مسلمانان رایج است و نیت نذر کننده، خود مرده و تقرب به او نیست، بلکه فرستادن ثواب برای آنان است. مسلمانان برای رضای خدا نذر می‌کنند.^۴

شیعیان معتقدند که تبرک، درخواست فزونی نعمت و برکت از رهگذر تبرک به پیامبر اکرم ﷺ، بندگان صالح خدا و آثار باقی مانده از آنان است. علاوه بر نبود منع عقلی، آیات^۵ و روایات^۶ فراوانی بر آن تأکید می‌کنند و همچنین صحابه پیامبر ﷺ، بر تبرک به آثار رسول خدا ﷺ و کوشش در گردآوری آنها اتفاق نظر داشتند و به موی پیامبر، به آب وضو، عرق، جامه، ظرف و بدن شریف او و دیگر آثار آن حضرت تبرک می‌جستند.^۷

۱. یونس: ۳؛ مریم: ۸۷.

۲. نساء: ۶۴.

۳. ر.ک: صحیح ترمذی، ترمذی، ج ۴، ص ۶۲۱؛ سنن ابوداؤد، ابوداؤد، ج ۲، ص ۲۱۸؛ کنز العمال، متقی هندی، ج ۱۰، ص ۳۸۱.

۴. سنن ابوداؤد، ج ۲، ص ۸۱؛ فرقان القرآن، غرامی، ص ۱۳۳.

۵. بقره: ۱۲۵؛ یوسف: ۸۴، ۹۳ و ۹۶؛ بقره: ۲۴۸؛ کهف: ۲۱.

۶. ر.ک: السیرة النبویة، ابن هشام، ج ۲، ص ۳۱۴.

۷. تبرک الصحابه، محمد طاهر بن عبدالقادر، ص ۵۰.

شیعه معتقد است که پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله به مسلمانان برای زیارت قبور اجازه داده است^۱ و سفر برای دیدار قبور مردگان، به ویژه مزار صالحان مستحب است.^۲ در روایات آمده است که زیارت مزار پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله آثار فراوانی دارد.^۳

شیعه، بنای آرامگاه برای پیامبران، شهیدان، امامان و اولیای الهی را مانند دیگر مسلمانان جایز می‌داند و علت آن سیره عملی مسلمانان از زمان پیامبر صلی الله علیه و آله تا امروز است؛^۴ همچنین بنای مسجد برای قبور و اقامه نماز در آن نیز به بیان آیات^۵ و سیره مسلمانان^۶ جایز است.

شیعه، گریستن و اندوه هنگام از دست دادن عزیزان را - که امری فطری است - جایز می‌داند؛ چون پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله صحابه و تابعین این عمل را انجام داده‌اند.^۷

شیعیان، به جواز تقیه معتقدند؛ یعنی انسان امری را که برخلاف حکم دین است، برای حفظ جان و مال یا شرف و آبروی خود یا دیگران، بگوید یا انجام دهد؛ افزون بر

۱. صحیح مسلم، ج ۲، ص ۶۴؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۱۱۷؛ شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، سبکی شافعی، ص ۱۰۷.

۲. ر.ک: الفقه علی المذاهب الاربعه، جابر الجزایری، ج ۱، ص ۵۴۰.

۳. ر.ک: شفاء السقام فی زیارة خیر الأنام، باب اول، ص ۶۵.

۴. ر.ک: مروج الذهب، مسعودی، ج ۲، ص ۲۸۸؛ تذکرة الخواص، سبط ابن الجوزی، ص ۳۱۱؛ انساب الاشراف، بلاذری، ج ۱، ص ۴۳۶؛ وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۳، صص ۹۱۹ - ۹۲۹؛ رحلة ابن جبیر، ابن جبیر؛ اخبار مدینة الرسول، محمد بن محمود بن نجار.

۵. کشف: ۲۱.

۶. ر.ک: تاریخ طبری، طبری، ج ۵، ص ۲۲۲؛ البدایة و النهایة، ابن کثیر، ج ۸، ص ۶۵؛ وفاء الوفاء، سمهودی، ج ۳، ص ۸۹۷؛ سنن کبری، بیهقی، ج ۴، ص ۷۸؛ مستدرک حاکم، ج ۱، ص ۳۷۷.

۷. ر.ک: سنن ابوداود، ج ۱، ص ۵۸؛ سنن ابن ماجه، ج ۱، ص ۴۸۲؛ مجمع الزوائد، هیثمی، ج ۳، ص ۸؛ الامتاع، مقریزی، ص ۱۵۴؛ سنن کبری، ج ۴، ص ۷۰؛ صحیح بخاری، مسند ابی داود، ج ۲، ص ۱۹۷؛ سنن نسائی، ج ۴، ص ۱۳؛ مستدرک حاکم، ج ۳، ص ۱۶۳؛ تاریخ بغداد، خطیب بغدادی، ج ۶، ص ۲۶۲.

حکم عقل، آیات فراوانی، دلالت بر جواز آن دارد.^۱ برخی از این آیات تقیه از مسلمان را هم جایز می‌دانند،^۲ البته شیعه، تقیه را در موضوعاتی، مانند: رد کردن اسلام و قرآن، ویران کردن کعبه و مشاهد مشرفه، معرفی اسلام به صورت مذاهب الحادی، شرب خمر، در معرض خطر قرار گرفتن یکی از ضروریات دین، مانند: نماز یا حج و... را جایز نمی‌داند.^۳

شیعه به رعایت اخوت اسلامی و تلاش برای اتحاد امت در اصول مشترک در برابر دشمنان مشترک و همچنین به گفت‌وگوی عالمانه در مسائل اختلافی، براساس کتاب و سنت، معتقد است.

از دیدگاه شیعیان، رهبری جامعه در عصر غیبت امام دوازدهم، در اموری که نیابت‌پذیر است، مانند: بیان احکام الهی و رهبری سیاسی جامعه، بر عهده مجتهدان و فقیهان عادل، پارسا و باکفایت است که حجت‌های امام بر مردم‌اند. این رهبری در عصر غیبت، به ولایت فقیه مشهور است.

۱. آل عمران: ۲۸؛ نحل: ۱۰۶؛ بقره: ۱۹۵؛ طلاق: ۷؛ حج: ۷۸.

۲. ر.ک: مفاتیح الغیب، فخر رازی، ج ۶، ص ۱۳؛ تفسیر مراغی، مراغی، ج ۳، ص ۱۳۶؛ تاریخ یعقوبی، یعقوبی، ج ۲، ص ۱۰۰؛ تاریخ طبری، ج ۱۰، صص ۲۸۴ - ۲۹۲؛ وسائل الشیعه، شیخ حر العاملی، ج ۱۶، کتاب الامر بالمعروف والنهی عن المنکر، باب ۲۴، ص ۲۰۳.

۳. ر.ک: الرسائل، امام خمینی، صص ۱۷۷ و ۱۷۸.

